



Rereading Islamic Principles in Supporting Citizens' Economic Rights in the Face of Budget Deficits

Mahdi Rajaei¹, Ali Amiri^{2*}

- 1. Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.
- 2. Department of Public Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:101-116

Article history:

Received:17 Jan 2025

Edition:14 Mar 2025

Accepted: 30 Apr 2025

Published online:28 Mar 2026

Keywords:

Islamic Principles, Budget Deficit, Economic Rights, Citizens.

Corresponding Author:

Ali Amiri

Address:

Iran, Qom, University of Qom, Faculty of Law, Department of Public Law.

Orchid Code:

0009-0008-9270-8386

Tel:

09122341825

Email:

a.amiri@stu.qom.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: The issue of budget deficit in Islamic literature is an inevitable issue due to the harm it causes to people's economic rights. In this regard, in this article, we aim to investigate the Islamic principles in this area and find out what the Islamic principles are for protecting citizens' economic rights against budget deficits.

Materials and Methods: This research is theoretical and the research method is descriptive-analytical, and the method of collecting information is library-based and has been carried out by referring to documents, books, and articles.

Ethical Considerations: In the present research, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality, and originality of the work have been observed

Findings: Citizens' economic rights and their enjoyment are among the basic rights of a nation. However, budget deficits create bitter and unpleasant consequences for citizens in realizing these rights and deprive them of many of their economic rights.

Conclusion: Based on evidence including verses, narrations, reason, jurisprudential rules such as the rule of "the treasury is intended for the benefit of the public" and the rule of "preserving the system", as well as the principle of justice, it is necessary to protect the economic rights of citizens against budget deficits.

Cite this article as:

Rajaei, M; Amiri, A. *Rereading Islamic Principles in Supporting Citizens' Economic Rights in the Face of Budget Deficits* . Economic Jurisprudence Studies. 2026.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

بازخوانی مبانی اسلامی در حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان در مقابل کسری بودجه

مهدی رجایی^۱، علی امیری^{۲*}

۱. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امر کسری بودجه در ادبیات اسلامی به دلیل آسیب‌هایی که در حقوق اقتصادی مردم ایجاد می‌کند، امری مضموم است. در همین راستا، در این نوشتار بر آن هستیم تا با مذاقه در مبانی اسلامی در این حوزه، به آن دست یابیم که مبانی اسلامی حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان در مقابل کسری بودجه کدامند؟

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانت‌داری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: حقوق اقتصادی شهروندان و بهره‌مندی از آن، از حقوق اولیه یک ملت می‌باشد. اما کسری بودجه عواقب تلخ و ناگواری در احقاق این حقوق برای شهروندان ایجاد می‌کند و آنها را از بسیاری از حقوق اقتصادی خود محروم می‌کند.

نتیجه: با استناد به ادله‌ای اعم از آیات، روایات، دلیل عقل، قواعد فقهی نظیر قاعده «بیت المال معد للمصالح» و قاعده «حفظ نظام» و همچنین اصل عدالت، حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان در مقابل کسری بودجه ضرورت می‌یابد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۱-۱۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۸

واژگان کلیدی:

مبانی اسلامی، کسری بودجه، حقوق اقتصادی، شهروندان.

نویسنده مسئول:

علی امیری

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، گروه حقوق عمومی.

تلفن:

09120352673

کد ارکید:

0009-0008-9270-8386

پست الکترونیک:

a.amiri@stu.qom.ac.ir

۱. مقدمه

این باره قائل نیستند اما حقوق عمومی برای صیانت از «خیر عمومی» به ابزارهایی مجهز می‌شود که از آن به امتیازات ناشی از اقتدار عمومی تعبیر می‌شود. طبق مطالب یاد شده، بحث از کسری بودجه با مفهوم حقوق عامه گره می‌خورد و در این راستا این سؤال اصلی مطرح می‌شود که مبانی اسلامی حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان در مقابل کسری بودجه کدامند؟ نگارنده در تلاش است تا در تحقیق حاضر، به سؤال مذکور پاسخ دهد. این تحقیق می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی مردم و تحقق عدالت اقتصادی منجر شود.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع-آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

حقوق اقتصادی شهروندان و بهره‌مندی از آن، از حقوق اولیه یک ملت می‌باشد. اما کسری بودجه عواقب تلخ و ناگواری در احقاق این حقوق برای شهروندان ایجاد می‌کند و آنها را از بسیاری از حقوق اقتصادی خود محروم می‌کند. در همین راستا، متولی اصلی ایجاد کسری بودجه و مهم‌ترین نهادی که وظیفه صیانت از حقوق شهروندان، مخصوصاً حقوق اقتصادی شهروندان را بر عهده دارد، دولت است.

کسری بودجه یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی است که می‌تواند تأثیرات عمیق و پیچیده‌ای بر زندگی اقتصادی شهروندان داشته باشد. هنگامی که دولت‌ها بیش از درآمد خود خرج می‌کنند و با کسری بودجه مواجه می‌شوند، برای جبران این کسری ناچار به اتخاذ تصمیمات و سیاست‌هایی می‌شوند که به طور مستقیم بر سطح زندگی، فرصت‌های شغلی و خدمات عمومی تأثیر می‌گذارد. تأثیرات کسری بودجه می‌تواند شامل کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمومی، افزایش مالیات‌ها، کاهش خدمات اجتماعی و ایجاد نااطمینانی اقتصادی باشد. این عوامل نه تنها بر ثبات اقتصادی کشور تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند به بی‌اعتمادی عمومی و افزایش نابرابری‌های اقتصادی منجر شوند. این در حالی است که آرمان حقوق عمومی قانونمند کردن دولت و حکومت است تا زمامداران در برابر مردم مسئول باشند و ابتکار عمل به دست مردم باشد. وجود قدرتی که بتواند بر پایه قواعد و هنجارهای اخلاقی و حقوقی، امنیت و عدالت را در جامعه مستقر سازد. ضروری است. غایت و قطب نمای حرکت حقوق عمومی از یک سو تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان و از سوی دیگر حمایت از منافع یک وجود مستقل و کل به هم پیوسته به نام «جامعه» در قالب مفاهیمی چون «مصلحت عمومی» است. دقیقاً اینجاست که حقوق عمومی از سایر شعبات حقوق متمایز می‌شود چنان که در حقوق خصوصی در پی تنظیم روابط شهروندان با یکدیگر هستیم و طرفین دعوا به مصلحت عمومی جامعه نمی‌اندیشند، چه بسا در کشاکش منازعات ایشان لطماتی نیز بر پیکره جامعه وارد آید؛ اما اشخاص درگیر در دعوا برای خود مسئولیتی در

۵. بحث

در این قسمت، مباحث به شرح ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱. تبعات کسری بودجه بر حقوق اقتصادی شهروندان

کسری بودجه دولت می‌تواند آثار قابل توجهی بر حقوق اقتصادی شهروندان داشته باشد. این آثار در چندین حوزه مختلف قابل مشاهده است:

الف - کاهش کیفیت خدمات عمومی: یکی از پیامدهای کسری بودجه، کاهش بودجه‌های تخصیص یافته به خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و رفاه اجتماعی است. این کاهش می‌تواند به افت کیفیت این خدمات منجر شود و به‌ویژه بر اقشار آسیب‌پذیر تأثیر منفی بگذارد.

ب - افزایش مالیات‌ها: برای جبران کسری بودجه، دولت‌ها معمولاً به افزایش مالیات‌ها روی می‌آورند. این اقدام می‌تواند فشار مالی بیشتری بر روی طبقه متوسط و پایین جامعه بگذارد و موجب کاهش توان خرید و رفاه اقتصادی این افراد شود.

ج - کاهش فرصت‌های شغلی: سری بودجه غالباً به کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی منجر می‌شود که این می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی و فرصت‌های شغلی بینجامد. در نتیجه، نرخ بیکاری ممکن است افزایش یابد و شهروندان با نابرابری‌های بیشتری مواجه شوند.

د - نوسانات اقتصادی: کسری بودجه می‌تواند به ناپایداری اقتصادی و نوسانات در توسعه بازار کار منجر شود. این نوسانات به ایجاد سردرگمی و بی‌اعتمادی در میان سرمایه‌گذاران و شهروندان

می‌انجامد که ممکن است مانع از سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در اقتصاد شود.

و - کاهش حمایت‌های اجتماعی: در دوران کسری بودجه، دولت‌ها ممکن است کاهش در هزینه‌های مربوط به برنامه‌های حمایتی و اجتماعی را در نظر بگیرند. این امر می‌تواند به کاهش امنیت اجتماعی و افزایش فقر در جامعه منجر شود.

ه - تأثیر بر قدرت خرید: کاهش هزینه‌های دولت و افزایش مالیات‌ها می‌تواند به کاهش قدرت خرید شهروندان بینجامد. این مسأله به ویژه برای اقشار کم‌درآمد که بخش بزرگی از درآمدشان صرف نیازهای روزمره می‌شود، محسوس‌تر است.

ی: کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: کسری بودجه ممکن است به کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اساسی مانند حمل و نقل، انرژی و فناوری منجر شود. این کاهش می‌تواند به توسعه اقتصادی بلندمدت آسیب بزند و به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید کمک نکند. در کل، کسری بودجه نه تنها آثار منفی بر اقتصاد کشور دارد، بلکه به حقوق اقتصادی شهروندان نیز آسیب می‌زند و می‌تواند باعث افزایش نابرابری‌ها و بی‌اعتمادی در جامعه شود. مهمترین عامل که مادر تمام این ناهنجاری‌ها است، بحث از بین رفتن ارزش پول ملی به جهت افزایش کسری بودجه است یعنی رابطه مستقیمی بین کسری بودجه و از بین رفتن ارزش پول ملی وجود دارد که این امر منجر به تورم می‌شود. زیرا کسری بودجه منجر به رشد نقدینگی و به عبارتی چاپ اسکناس می‌شود تا دولت بتواند به تعهدات مالی خود در بودجه عمل کند و این اتفاق به وسیله

اجتماعی منجر شود را بگیرد. در این راستا، این قوه می تواند با اعمال فشار قانونی و مشاوره به دولت، زمینه‌های بهبود مدیریت مالی و بودجه‌ای را فراهم کند (زاهدی، ۱۳۹۹، ۲، ۴۵۱).

به واسطه اینکه قوه قضائیه مسئول احیای حقوق عامه است و حقوق اقتصادی یکی از ابعاد حقوق عامه است، می تواند در خصوص کسری بودجه نقش آفرینی کند، براساس وظیفه‌ای که قانون اساسی بر عهده قوه قرار داده است.

۵-۲. لزوم جبران کسری بودجه بوسیله دولت

نیاز به جبران کسری بودجه در نظام‌های اقتصادی و سیاسی، به‌ویژه در کشورهای اسلامی، دارای ریشه‌های عمیق فقهی است. این ضرورت ناشی از این واقعیت است که مدیریت بهینه و مسئولانه منابع عمومی و تأمین حقوق شهروندان، نه تنها یک وظیفه حکومتی بلکه مطابق با دلایل فقهی نیز به شمار می‌رود که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

۵-۲-۱. آیات

اگرچه در مقام تبیین نیاز به توانمندسازی شهروندان، تصریحی در قرآن وجود ندارد، اما این مفهوم، از اطلاق آیات بیانگر نهی از ظلم حکام به دست می‌آید.

آیه ۱۲۴ سوره بقره: خداوند متعال می‌فرماید: «و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی و لیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگارش]

چاپ اسکناس اتفاق می‌افتد و این امر باعث رشد نقدینگی در جامعه و به تبع آن تورم و در نتیجه کاهش قدرت خرید جامعه و در نتیجه فقیرتر شدن هر چه بیشتر جامعه می‌شود.

این مساله مردم را از اولیه‌ترین حقوق اقتصادی که همان داشتن یک زندگی بدون دغدغه امور مالی است محروم می‌کند و عامل این امر هم دولت است. در حالی که دولت باید حامی مردم و تأمین کننده حقوق اقتصادی مردم باشد. براساس مطالب فوق، جبران کسری بودجه توسط دولت به عنوان یکی از حقوق عامه شهروندان مطرح می‌شود و اهمیت آن در حفظ ثبات اقتصادی و اجتماعی کشور به وضوح قابل مشاهده است. کسری بودجه زمانی اتفاق می‌افتد که هزینه‌های دولت از درآمدهای آن فراتر برود و می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی بر زندگی اقتصادی شهروندان به همراه داشته باشد. بدین ترتیب، دولت‌ها موظف هستند اقداماتی انجام دهند تا این کسری را جبران کرده و حقوق اقتصادی شهروندان را حفظ کنند. قوه قضائیه به عنوان مرجع حمایت کننده از حقوق ملت، نقش مهمی در نظارت بر رعایت حقوق شهروندان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی دارد و در خصوص کسری بودجه می‌تواند به‌عنوان مدعی‌العموم به دولت مراجعه کند. این نهاد می‌تواند از طریق ابزارها و اختیارات قانونی خود، به شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی دولت در قبال کسری بودجه اقدام کند. همچنین، قوه قضائیه می‌تواند با بررسی رعایت حقوق شهروندان و تاثیر کسری بودجه بر معیشت مردم، در مواردی که به حقوق عمومی لطمه وارد می‌شود، وارد عمل شود و از طریق مراجع قضائی، جلوی اقدامات غیرقانونی یا مسائلی که ممکن است به بحران اقتصادی و

می‌کنند، می‌تواند موجب تشدید مشکلات اقتصادی و اجتماعی گردد. این آیه به شهروندان یادآوری می‌کند که در مواقع بحران اقتصادی، باید به اصول عدالت و شفافیت پایبند باشند و از وابستگی به کسانی که به ستمگری متهمند، پرهیز کنند. در نهایت، این امر می‌تواند موجب حفظ حقوق اقتصادی و اجتماعی آنها شود و در برقراری امنیت و ثبات در جامعه مؤثر واقع گردد.

آیه ۱۸ سوره جاثیه: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ؛ سپس ما تو را بر شریعت کامل در امر دین مقرر فرمودیم. تو آن را کاملا پیروی کن و هیچ پیروی هوای نفس مردم (مشرک) نادان مباش؛» آیه مذکور می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که اگر مسئولان به منافع شخصی و گروهی خود دلبستگی نشان دهند، به جای حفظ حقوق مردم، به ایجاد بی‌عدالتی دامن می‌زنند. بنابراین، پیروی از شریعت و قضاوت عادلانه در مدیریت مالی و اقتصادی نه تنها منجر به حفظ حقوق اقتصادی شهروندان می‌شود، بلکه همچنین به انسجام و تقویت اعتماد عمومی کمک خواهد کرد. در نهایت، این آیه به اهمیت وظیفه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری مسئولان در برابر مردم تأکید می‌کند و از آنها می‌خواهد که در راستای تأمین و حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان، از اصول صحیح پیروی کنند و به هوای نفس نروند. به تعبیر واضحتر، با استناد به آیه شریفه، می‌توان چنین استدلال کرد که در مواقع کسری بودجه، دولت‌ها باید به شریعت و قوانین عادلانه پایبند باشند و از تصمیم‌های غیرعقلانی و مقطعی که ممکن است به حقوق اقتصادی مردم آسیب برساند، دوری کنند.

فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی‌رسد؛ خداوند در این آیه می‌فرماید که امامت به ستمکاران نمی‌رسد، به این معنا که رهبری باید با شفافیت و پاسخ‌گویی همراه باشد و از نظارت بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های مالی دولت در راستای تأمین نیازهای اساسی جامعه غفلت نکند. این امر بدان معناست که اگر دولت‌ها در مدیریت مالی خود دچار کسری بودجه شوند، باید از نگرش‌های اقتصادی عادلانه و مسئولانه پیروی کنند و در راستای حفاظت از حقوق اساسی شهروندان، به دور از هوای نفس و تمایلات شخصی، اقدام نمایند. این است که شریعت کامل در مسائل اقتصادی نه تنها در امر دین، بلکه در تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز به حساب می‌آید و می‌تواند ابزاری برای ایجاد ثبات و رفاه در جامعه باشد.

آیه ۱۱۳ سوره هود: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛ و به کسانی که ستم کردند، اعتماد نکنید که در این صورت آتش [خشم خدا] به شما می‌رسد، در حالی که جز خدا برای شما، هیچ یاور و سرپرستی نیست، سپس مورد یاری [خدا نیز] قرار نمی‌گیرید؛» در زمینه حقوق اقتصادی، این آیه می‌تواند به معنای ضرورت خودداری از اتکاء به دولتمردان یا مقامات نالایق و ستمگر باشد که ممکن است در مدیریت مالی و بودجه‌ای، به جای رعایت حقوق شهروندان، منافع شخصی یا گروهی خود را دنبال کنند. بنابراین، حمایت از حقوق اقتصادی جامعه به ویژه در زمان کسری بودجه، مستلزم شناخت دقیق و اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه است؛ چرا که اعتماد به کسانی که در عملکرد خود در حق مردم ظلم

۵-۲-۲. روایات

در احادیث متعددی به موضوع حمایت از دیگران اشاره شده است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

حدیث اول: پیامبر اکرم (ص) خدمت به مردم و سود رسانی به آن‌ها را در کنار ایمان به خداوند، ملاک ارزش‌مندی انسان دانسته و می‌فرماید: «خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا إِيْمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْإِيْمَانِ؛ ایمان به خدا و نفع رساندن به بندگان او دو ویژگی نیکو است که برتری از آن‌ها نیست» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۲، ۳۹۱).

حدیث دوم: امیرالمؤمنین (ع) بیان می‌فرمایند: «مَنْ رَدَّ عَنِ الْمُسْلِمِينَ عَادِيَةً مَاءٍ أَوْ نَارٍ أَوْ عَادِيَةً عَدُوٍّ مُكَابِرٍ لِلْمُسْلِمِينَ عَفَرَ اللَّهُ ذَنْبَهُ؛ هر کس طغیان آب (سیل)، آتش یا سلطه دشمن زورگو را از مسلمانان برطرف کند، خداوند گناهان او را می‌بخشد» (حرّاعلی، ۱۴۱۸ق، ۲، ۲۱۳).

حدیث سوم: امام صادق (ع) می‌فرمایند: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيَّ نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ هر مسلمان که برادرش را در گرفتاری رها کند در حالی که می‌تواند به او کمک کند، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار می‌سازد» (صدوق، ۱۴۰۶ق، ۱۴۸).

حدیث چهارم: امام صادق (ع) در حدیث دیگری می‌فرمایند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ هر کس به امور مسلمانان بی‌توجه باشد، از آنان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲، ۱۶۴).

حدیث پنجم: فضل بن شاذان از حضرت رضا (ع) نقل می‌کند که آن حضرت در توضیح دلیل وجوب اطاعت از اولی‌الامر، به چندین دلیل اشاره فرمودند: «از جمله این دلایل این است که هیچ یک از گروه‌ها و ملل را نمی‌بینیم که بدون وجود یک سرپرست و رئیس به حیات خود ادامه دهند

و باقی بمانند. زیرا برای اداره دین و دنیای مردم نیاز به وجود چنین فردی ضروری است. بنابراین، حکمت خداوند حکیم ایجاب نمی‌کند که مخلوقاتش را بی‌سرپرست بگذارد، در حالی که می‌داند وجود چنین فردی برای آن‌ها الزامی است و بدون او زندگی‌شان تباہ می‌شود. زیر نظر او، مردم با دشمنانشان می‌جنگند، درآمدهای ملی و عمومی‌شان به طور عادلانه تقسیم می‌شود، و او نماز جمعه و جماعت را برپا می‌کند و مانع از ستمگری‌ها بر حقوق مظلومان می‌شود...» (قمی، ۱۳۹۸، ۱، ۲۵۱).

حدیث ششم: حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «خدا یا، تو می‌دانی که آنچه ما در پی آن هستیم، به خاطر تمایل به حکومت یا چنگ زدن به چیزی از مال دنیا نیست، بلکه هدف ما این است که دین تو را به جامعه بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای تو پدیدار سازیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات امنیت یابند و قوانین نادیده‌گرفته شده‌ات اجرایی گردد» (شریف‌الرضی، ۱۳۸۷، ۵، ۴۲۳-۴۱۹).

نگاهی به مطالب بیان شده نشان می‌دهد که جبران کسری بودجه و تأمین حقوق اقتصادی شهروندان، در نظر شارع مقدس مورد تأکید قرار گرفته است. هر فردی که نسبت به پیشرفت و انجام امور اجتماعی مسلمانان یا حتی به مسائل یک مسلمان بی‌توجه باشد و تنها به فکر خود باشد، به محتوا و معانی دلایل پیشین پرداخته است. از این رو، مطابق با مضامین این دلایل، همان‌طور که بی‌تفاوتی نسبت به فردی که در حال سوختن است، از دینداری به دور بوده و می‌تواند منجر به عذاب الهی شود، در خصوص موضوع مورد بحث نیز عدم تلاش برای بهبود شرایط اقتصادی شهروندان به جز رهایی شخص در آتش نتیجه‌ای نخواهد داشت.

دلیل آنکه این احکام عقلاً پیش‌نیاز یا نتیجه لازم حکم شرعی هستند، استنباط می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲، ۴۵۶؛ مراغی، ۱۴۱۷، ۱، ۳۱۲؛ محقق داماد، همان، ۱، ۱۳۱).

حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان در مقابل کسری بودجه از منظر عقلانی نیازمند درک این است که کسری بودجه می‌تواند به صورت مستقیم بر معیشت و رفاه عمومی تأثیر بگذارد؛ زیرا کاهش منابع مالی دولت معمولاً منجر به کاهش خدمات عمومی، آموزش و بهداشت می‌شود که حق اساسی هر فرد است. از نظر عقل، دولت‌ها موظف‌اند با مدیریت صحیح مالی و پیش‌بینی منابع درآمدی، از حداکثر توان خود برای جلوگیری از کسری بودجه استفاده کنند؛ چرا که این امر، موجب کاهش فشار بر اقشار آسیب‌پذیر جامعه می‌گردد. همچنین، در صورت وقوع کسری بودجه، باید تدابیری اندیشیده شود تا شهروندان از حقوق اقتصادی خود محافظت شوند و از بروز نارضایتی‌های اجتماعی جلوگیری به عمل آید. این تحلیل به استناد حکم عقل، نشان می‌دهد که ضروری است تا دولت از طریق شفافیت مالی، مسئولیت‌پذیری و برنامه‌ریزی مؤثر، به حفظ و حمایت از حقوق اقتصادی شهروندان بپردازد، چرا که عدم انجام این مسئولیت نه تنها به نفع جامعه نیست، بلکه به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای دولتی منجر خواهد شد.

۵-۲-۴. قواعد فقهی

الف) قاعده «بیت المال معد للمصالح»

احکام و قوانین اسلامی در تمامی ابواب فقهی، به‌ویژه در زمینه مجازات‌های شرعی، به منظور حفظ مصالح و تقویت آن‌ها وضع شده‌اند. بنابراین، اسلام هر نوع تجاوز و ستم به این مصالح را جرم

بنابراین، بر دولت لازم است که درآمدهای ملی و عمومی را برای حمایت از شهروندان و بهبود شرایط معیشتی آنها تخصیص دهد. همچنین در سیره و عملکرد پیشوایان دینی مشاهده می‌شود که آنان هرگز از کوشش در انجام وظایف و اوامر الهی نسبت به مردم غافل نماندند. پیامبر اکرم (ص)، ائمه معصومین (ع)، و علمای اسلام از مراحل اولیه با تشکیل حکومت اسلامی به اجرای دستورات و اوامر الهی نسبت به مردم اهتمام جدی داشته و تلاش می‌کردند که مانند سایه‌ای، تمام افراد جامعه را تحت حمایت خود قرار دهند و نسبت به اقشار محروم و نیازمند توجه خاصی ابراز کنند. بر اساس همین احادیث و مطالعه در سیره پیامبر و ائمه معصومین، تأمین و فراهم کردن حقوق اقتصادی شهروندان مورد تأکید قرار گرفته و مسئولیت حاکمان جامعه اسلامی در قبال افراد جامعه برجسته شده است.

۵-۲-۳. دلیل عقل

عقل یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین نعمت‌های الهی است که به عنوان نوری در درون بشر قرار داده شده تا انسان با اتکا به آن به سعادت و کمال خود دست یابد. اهمیت عقل در هدایت بشر آن‌چنان است که به همراه کتاب، سنت و اجماع، به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی و فقهی معرفی شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵، ۲۰۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۱، ۱۰۷).

در حوزه فقه، احکامی که عقل به تنهایی به آن‌ها دست می‌یابد، «مستقلات عقلیه» نامیده می‌شوند (محقق داماد، همان، ۱۱۷؛ محمدی، ۱۳۷۴، ۲، ۴۵۶).

اصطلاح مستقلات عقلیه در کنار «استلزامات عقلیه» به کار می‌رود. استلزامات عقلیه به کل احکامی اطلاق می‌شود که با استناد به عقل و به

شناخته و برای هر جرم، مجازات متناسبی تعیین کرده است. بسیاری از فقهای مذاهب اسلامی نیز بر این باورند که احکام اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد شکل گرفته‌اند، هرچند در دامنه و شدت این نقش، اتفاق نظر وجود ندارد. فقهای امامیه به‌ویژه معتقدند که احکام شرعی تابع مصلحت و فساد واقعی هستند و مانند قوانین وضعی انسانی عمل می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۵، ۳۸).

از این رو، پیش از صدور حکم شارع، اعمال و اشیاء دارای مصالح و مفاسدی هستند که این موضوع موجبات وضع حکم مناسب بر آن‌ها را فراهم می‌کند (نوری، ۱۴۰۸، ۳، ۷۱).

بنابراین، مصلحت در مرحله پیشینی قانون‌گذاری و حتی پسینی نیز کاربرد دارد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که قانون‌گذاری احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در موضوع آن‌ها صورت می‌گیرد و مصلحت عامل تعیین‌کننده برای جرم‌انگاری است.

چنان‌که برخی از فقهای متأخر و بسیاری از معاصران بر این اعتقادند که بیت‌المال به عنوان خزانه عمومی دولت اسلامی مسئولیت مدیریت و تخصیص منابع مالی برای منافع عمومی و مصالح جامعه را دارد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۴۰؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۶۶۸).

لزوم جبران کسری بودجه برای تأمین حقوق اقتصادی شهروندان در چارچوب این قاعده به وضوح مشهود است. این قاعده نشانگر مسئولیت‌های حکومتی در تأمین رفاه عمومی و حقوق اقتصادی مردم است و اهمیت مدیریت درست منابع مالی دولت را تأکید می‌کند. طبق این قاعده، بیت‌المال به‌عنوان دارایی عمومی و مایملک ملت شناخته می‌شود و مدیریت آن باید به‌گونه‌ای باشد که بیشترین منفعت را برای جامعه

به همراه داشته باشد. هنگامی که دولت با کسری بودجه روبه‌رو می‌شود، جبران این کسری نه تنها یک نیاز اقتصادی، بلکه یک تکلیف شرعی و قانونی به شمار می‌آید. عدم اقدام برای جبران کسری به معنای نادیده گرفتن حقوق اقتصادی شهروندان است که می‌تواند به کاهش کیفیت خدمات عمومی، افت سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها و افزایش نابرابری‌های اجتماعی منجر شود. بنابراین، دولت باید با استفاده از منابع موجود و اتخاذ رویکردهای مناسب، به جبران کسری بودجه خود بپردازد تا بتواند نیازهای اساسی شهروندان را تأمین کند. قاعده «بیت المال معد للمصالح» همچنین بر مفاهیم شفافیت و پاسخگویی در مدیریت منابع عمومی تأکید دارد. شهروندان حق دارند از نحوه تخصیص و هزینه‌کرد منابع عمومی آگاه باشند و باید نظارتی بر این فرآیند انجام شود که به عدالت اجتماعی کمک کند. به این ترتیب، دولت باید سیاست‌هایی را پیش گیرد که نه تنها کسری بودجه را جبران کند، بلکه موجب بهبود کیفیت زندگی و تأمین حقوق اقتصادی افراد جامعه شود. علاوه بر این، جبران کسری بودجه از منظر اجتماعی نیز امری حیاتی است. زمانی که دولت از طریق مالیات‌ها و دیگر منابع، کسری خود را پوشش می‌دهد، باید توجه کند که این اقدامات به نفع تمام اقشار جامعه باشد. به عبارت دیگر، نیاز است از رویکردهای عادلانه‌ای استفاده شود تا فشار مالی بر گروه‌های آسیب‌پذیر افزایش نیابد. در این راستا، استفاده بهینه از بیت‌المال و تخصیص آن به پروژه‌های مرتبط با بهبود معیشت شهروندان می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و حس تعلق به نظام سیاسی کمک شایانی کند. در پایان، ضرورت جبران کسری بودجه به‌منظور تأمین

می‌دهد که هرگاه واژه «نظام» به صورت مطلق و بدون هرگونه قیدی به کار رود، به همین مفهوم اشاره دارد و آن را تداعی می‌کند، مگر اینکه در یک موضوع خاص مورد استفاده قرار گیرد که در آن صورت، به نظام مشخصی مرتبط با همان باب فقهی اشاره دارد؛ هرچند در برخی موارد ممکن است مفهوم عام نیز مورد نظر باشد. واژه «نظام» از ریشه «نظم» به معنای ترتیب‌دادن، آراستن و به هم‌رشته کردن مروارید، عادت و رویه آمده است (عمید، ۱۳۸۴، ۲، ۱۷۲). در توضیح معنای این کلمه گفته شده است: «نظام به معنای تألیف، تجمیع و کنار هم قرار دادن چیزی به چیز دیگر و نخی که با آن لؤلؤ یا دیگر اشیاء (مثل مهره) به نظم کشیده می‌شود، است». همچنین، این واژه در معنای هدیه، سیره و عادت نیز به کار رفته است: «لیس لأمهم نظام ای لیس هدی لا متعلق و لا استقامه» یا «و ما زال علی نظام واحد ای عادة واحدة» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲، ۵۷۹).

امام علی (ع) نیز در مشورتی به عمر، هنگامی که درباره جنگ با فارسیان از او نظر خواست، با توجه به معنای لغوی این کلمه فرمود: «آن را جمع کن و به هم ضمیمه کن. هرگاه این ریسمان از هم بگسلد، دانه‌های جایگاه والی حکومت، همچون دانه‌های خرز (مهره‌ها) از هم پاشیده و پراکنده می‌شود و در آن صورت نمی‌توان جوانب و اطراف را دور هم جمع کرد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶ و مجلسی، ۴۰۴، ۳۱، ۱۳۷ و ۴۰، ۱۹۳).

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام درباره لزوم اطاعت از ولیّ امری که به طور الهی منصوب شده، از حاکم اسلامی به عنوان «نظام الاسلام» یاد شده است: «سخن کسی که خداوند او را به امارت منصوب کرده است بشنوید و از او فرمان ببرید،

حقوق اقتصادی شهروندان، در قالب قاعده «بیت المال معد للمصالح» نه تنها یک الزام حقوقی، بلکه یک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی برای دولتمردان به شمار می‌آید. دولت‌ها باید با بهره‌گیری از این قاعده، اقدامات مؤثری در جهت بهینه‌سازی مدیریت منابع عمومی و تأمین حقوق اقتصادی شهروندان انجام دهند تا به تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه کمک کنند.

ب) قاعده حفظ نظام بشری

این مفهوم، عام‌ترین و پرکاربردترین مفهوم «نظام» به شمار می‌آید و به این شکل تعریف می‌شود که نظام، برقراری آراستگی درونی جامعه و نهادهای آن در مقابل هرج و مرج است. این نظام به ایجاد ارتباط منطقی و معقول میان ساختارهای حکومتی پرداخته و فضای جامعه را برای اجرای احکام الهی فراهم می‌آورد. یکی از محورهای اصلی این مفهوم سامان‌دهی نظام معیشت جامعه است. به وضوح مشخص است که کمال و سعادت انسان‌ها، که به معنای قرب و منزلت نزد خداوند است، به‌عنوان برترین و مهم‌ترین هدف جوامع انسانی شناخته می‌شود (طباطبایی، بی‌تا، ۴، ۱۵۴).

دستیابی به این هدف زمانی ممکن است که زندگی مردم در آرامش و نظم باشد و هر چیز در جای مناسب خود قرار گیرد؛ زیرا هرج و مرج و اختلال در نظام زندگی، انسان‌ها را از توجه به مسائل اساسی مبدأ و معاد منحرف کرده و آن‌ها را وادار به مواجهه با مشکلات پیش آمده می‌کند. به همین دلیل، فقها آنچه را که نظام معیشت جامعه به آن نیاز دارد، به عنوان واجب کفایی یا عینی مطرح کرده و قسمتی مشخص از واجبات را تحت عنوان «واجبات نظامیه» پی‌ریزی کرده‌اند. بررسی کاربرد این اصطلاح در بیان فقها نشان

چرا که او نظام اسلامی است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۳، ۲۹۸).

نظام دارای دو مفهوم اصلی، یکی عام و دیگری خاص است. در معنای عام، نظام به سازمان‌دهی زندگی مردم و استقرار نظم و عدالت در جامعه اشاره دارد که به آن «نظام عام یا کلان اجتماعی» می‌گویند. اما در معنای خاص، شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود؛ به طوری که حمایت یا اختلال در هر یک از این نظام‌ها به حفظ یا اختلال در نظام عام و کلان منجر می‌شود. به عبارت دیگر، بین نظام کلان اجتماعی و خرده‌نظام‌ها یک رابطه طولی و سلسله‌مراتبی وجود دارد. گاه نظام به معنای «حدود و ثغور یا کیان کشور و سرزمین‌های اسلامی»، «حکومت یا نظام سیاسی»، «بیضه یا مرکزیت جامعه مسلمانان» و «نظام اسلام» نیز به کار می‌رود. مفهوم برجسته‌ای که فقها در متون دینی به آن توجه دارند، «نظام اسلام» است. یکی از پژوهشگران «نظام اسلام» را به این صورت تعریف کرده است: «منظور از نظام اسلام، سازمان دین، وجود و استقرار حاکمیت آن است که معمولاً به بیضه اسلام تعبیر می‌شود. این مفهوم شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های مسئول آن، وجود عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و عملی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۸، ۳۵).

این تعریف همه مفاهیم نظام و انواع خرده‌نظام‌هایی را که پیش‌تر ذکر شد، در بر می‌گیرد. نتیجه‌ای که از این جامع‌نگری به دست می‌آید این است که در جامعه اسلامی، هدف غایی از حفظ نظام _ به هریک از معانی فوق «حفظ نظام اسلام» یا عینیت‌بخشیدن به دین اسلام در جامعه برای رسیدن به اهداف عالی آن؛

یعنی سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها می‌باشد. طبیعی است که حفظ دین، بالاترین مصلحت است.

اگرچه در کلام فقها، واژه «نظام» به طور مطلق یا عمومی به کار رفته و اهمیت حفظ آن بیان شده است، اما به طور قطع، این حکم شامل حفظ سایر خرده‌نظام‌هایی که در درون آن نهفته‌اند نیز می‌شود، زیرا بدون حفظ هر یک از خرده‌نظام‌های موجود در نظام عام یا کلان جامعه، حفظ این نظام نیز ممکن نخواهد بود. بنابراین، هرچند در اینجا به حکم حفظ نظام به معنای کلان آن اشاره می‌شود، اما در ضمن بیان این حکم کلی، احکام مرتبط با موضوعات جزئی نیز نهفته است. به عبارت دیگر، از نظر وجوب مقدمه واجب، اگر حفظ نظام کلان جامعه واجب باشد، حفظ خرده‌نظام‌ها که مقدمه‌ای برای حفظ نظام کلان هستند نیز واجب خواهد بود. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «حفظ نظام از واجبات بسیار مؤکد است و ایجاد اخلال در امور مسلمانان از مواردی است که مورد غضب است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ۲، ۶۱۹).

در جایی دیگر، در بیان دلایل ضرورت تشکیل حکومت عادل و اسلامی، او پس از توضیح مفهوم امور حسبی و لزوم تصدی آنها توسط یک متصدی خاص یا امام معصوم یا فقیه جامع‌الشرایط، حفظ نظام و مرزهای مسلمانان را از آشکارترین مصادیق امور حسبی می‌داند که بدون تشکیل حکومت اسلامی، امکان‌پذیر نیست (همان، ۲، ۶۶۵). به واقع، او تشکیل حکومت اسلامی را مقدمه‌ای لازم و یکی از ابزارهای حفظ نظام شمرده است. امام خمینی بر لزوم حفظ نظم در جامعه نیز تأکید کرده و حفظ نظام را واجب عقلی و شرعی می‌داند: «تمام جامعه نیاز به نظم

تجزیرات به شمار می‌آید (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ۵۰۵).

لزوم جبران کسری بودجه به منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان، به‌ویژه در راستای قاعده «حفظ نظام بشری»، اهمیت بالایی دارد. این قاعده به‌عنوان یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی به حفاظت از کیان اجتماعی و تسهیل زندگی بشر اشاره می‌کند و بر ضرورت بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. در واقع، حفظ نظام بشری مستلزم آن است که دولت‌ها به‌عنوان نهادهای مسئول، گام‌های مؤثری در راستای حفظ حقوق افراد جامعه بردارند. کسری بودجه می‌تواند تهدیدی جدی برای این نظام به شمار آید، زیرا عدم جبران آن به کاهش کیفیت خدمات عمومی، افزایش نابرابری و نارضایتی اجتماعی منجر خواهد شد. بر اساس قاعده حفظ نظام بشری، دولت باید اقداماتی انجام دهد تا از هرگونه اختلال در تأمین نیازهای اساسی مردم جلوگیری کند و حقوق اقتصادی شهروندان را به رسمیت بشناسد. در این زمینه، اگر دولت با کسری بودجه مواجه شود، باید تدابیر مؤثری برای جبران آن اتخاذ کند. به‌عنوان مثال، دولت می‌تواند با بررسی هزینه‌ها، افزایش کارایی در تخصیص منابع، و ایجاد شرایط مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری، کسری را جبران نماید. تأمین حقوق اقتصادی شهروندان تنها به معنای جبران کسری بودجه نیست؛ بلکه ایجاد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی بهتر نیز در این راستا حائز اهمیت است. قاعده حفظ نظام بشری بیان می‌کند که دولت‌ها باید طوری عمل کنند که بهبود وضعیت زندگی مردم را تضمین کرده و از بروز بحران‌های اجتماعی جلوگیری نمایند. وقتی دولت در تأمین حقوق اقتصادی شهروندان

دارد؛ اگر نظم از بین برود، جامعه نابود می‌شود. حفظ نظام یکی از واجبات شرعی و عقلی است و باید نظام محفوظ بماند» (همان، ۱۱، ۴۹۴).

ایشان همچنین درباره اهمیت حفظ نظام اسلام و جایگاه آن نسبت به سایر فرایض می‌فرماید: «حفظ اسلام یک فریضه الهی است که بالاتر از تمام فرایض دیگر است؛ به‌گونه‌ای که هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ می‌باشد، پس حفظ این جمهوری اسلامی نیز از جمله اعظم فرایض برای همه ما و ملت و روحانیون است» (همان، ۱۵، ۳۲۹).

در واقع، گفته‌های امام نشان‌دهنده وجود سلسله‌مراتب میان مفاهیم مختلف نظام است، به این معنا که برای حفظ نظام اسلام، حفظ حکومت _ یعنی جمهوری اسلامی _ واجب است. محمدمهدی شمس‌الدین صراحتاً حکم حفظ نظام و جلوگیری از اخلال در آن را چنین بیان کرده است: «از جمله تکالیف قطعی شرعی، واجب بودن حفظ نظام عمومی جامعه و حرام بودن اخلال در آن است» (شمس‌الدین، ۱۴۱۲ق، ۴۴۰).

هرچند وی در این عبارت بر وجوب حفظ نظام کلان اجتماع تأکید دارد، اما همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، حفظ هر یک از خرده‌نظام‌ها به حفظ این نظام عام و کلی منتهی می‌شود و این حفاظت در نهایت منجر به حفظ نظام اسلام خواهد شد که خود زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان و جامعه و تقرب آنها به درگاه ربوبی خواهد بود. بنابراین، به حکم عقل _ بر اساس وجوب مقدمه واجب حفظ هر یک از خرده‌نظام‌ها نیز واجب است. آیت‌الله مکارم شیرازی نیز حفظ نظام را از واجبات قطعی می‌داند که ادله اربعه بر آن دلالت دارد و علت بسیاری از احکام دیگر مانند حدود و

موفق باشد، می‌تواند فضایی پایدار و سازنده برای رشد اقتصادی و اجتماعی فراهم آورد که این امر به نوبه خود از حفظ نظام بشری حمایت می‌کند. یکی دیگر از جنبه‌های مهم این قاعده، ضرورت شفافیت و پاسخگویی در فرآیندهای مالی دولت است. شهروندان باید اطمینان داشته باشند که منابع عمومی به‌درستی و به نفع عموم به کار گرفته می‌شوند. دولت‌ها با رعایت این معیار می‌توانند اعتماد عمومی را جلب کرده و حس تعلق و مشارکت را در میان شهروندان تقویت کنند. این موضوع سرانجام به تثبیت نظام بشری و تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی کمک خواهد کرد. بنابراین، جبران کسری بودجه در راستای تأمین حقوق اقتصادی شهروندان و همچنین مطابق با قاعده «حفظ نظام بشری» به‌عنوان یکی از اصول بنیادین رشد و توسعه اجتماعی، از اهمیت زیادی برخوردار است. دولت‌ها باید برای تقویت این نظام و ایجاد شرایط عادلانه برای تمامی افراد، اقدامات مؤثری در مدیریت منابع مالی خود انجام دهند تا هم حقوق اقتصادی شهروندان تأمین شود و هم سطح زندگی اجتماعی ارتقاء یابد. این رویکرد نه تنها به حفظ ثبات نظام اجتماعی کمک می‌کند، بلکه بر پایه اصول اخلاقی و انسانی استوار است که در نهایت به نفع جامعه و بشریت نیز خواهد بود.

۵-۲-۵. اصل عدالت

عدالت واژه‌ای است که مفهوم آن در برابر دو واژه «فسق» و «جور» قرار دارد. اگرچه فسق نیز خود نوعی جور، یعنی جور به نفس، محسوب می‌شود، اما عدالت در مقابل مفهوم فسق به عدالت وصفی و در مقابل مفهوم جور به عدالت عملی تقسیم می‌شود (گرجی، ۱۳۷۶، ۵۱۹-۵۲۱).

عدالت وصفی، صفتی انسانی است که فرد واجد آن در مسائل فردی و اجتماعی از ظلم پرهیز می‌کند. در حالی که عدالت عملی به جنبه‌های حیات اجتماعی مرتبط می‌شود و بارها در آیات قرآن کریم و دیگر آموزه‌های شرعی مورد تأکید قرار گرفته است؛ این عدالت است که برقراری و پای‌داری آن رسالت مهم پیشوایان دینی تلقی می‌شود. اصل عدالت در تمامی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها برای حفظ حقوق افراد و فراهم آوردن زمینه‌های برابر برای رشد و توسعه است. بنابراین، هرگونه کسری در بودجه دولت که به کاهش کیفیت خدمات عمومی و افت سطح زندگی شهروندان منجر شود، به‌عنوان نقض این اصل حیاتی محسوب می‌گردد. کسری بودجه می‌تواند به کاهش منابع تخصیص‌یافته به خدمات پایه‌ای مانند بهداشت، آموزش و تأمین اجتماعی منجر شود. این کاهش نه تنها بر زندگی روزمره افراد تأثیر منفی خواهد گذاشت، بلکه به‌ویژه بر اقشار آسیب‌پذیر جامعه که در شرایط اقتصادی سختی به سر می‌برند، فشار بیشتری وارد می‌کند. از آنجایی که دولت به‌عنوان نهاد مسئول تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه شناخته می‌شود، وظیفه دارد هر اقدامی را برای جبران کسری بودجه انجام دهد و در این راستا حقوق اقتصادی شهروندان را تأمین کند. جبران کسری بودجه باید طوری انجام شود که نه تنها نابرابری‌ها را کاهش دهد، بلکه به افزایش عدالت اجتماعی نیز منجر گردد. به عبارتی، دولت باید به‌جای افزایش مالیات‌ها بر اقشار کم‌درآمد یا کاهش خدمات عمومی، به دنبال راه‌حلهایی باشد که با افزایش کارایی و کاهش اسراف در هزینه‌ها، منابع مالی کافی برای تأمین حقوق

۶. نتیجه

ضرورت جبران کسری بودجه به‌عنوان یکی از الزامات فقهی در نظام حکومتی اسلامی و نیز به‌عنوان یک نیاز اجتماعی، بر مسئولیت دولت‌ها در برابر حقوق شهروندان تأکید می‌کند. این ضرورت نه تنها به معنای تأمین نیازهای مادی بلکه به‌ویژه حفظ کیان اخلاقی و اجتماعی جامعه نیز حائز اهمیت است. بنابراین، جبران کسری بودجه باید به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی و فقهی در نظر گرفته شده. اساساً مقنن توجه خاصی به این امر مبذول نداشته است و در قوانین موضوعه، قواعد حقوقی مبهم و پراکنده وجود دارد که اغلب ناظر بر دادرسی دعاوی عمومی از سوی دادستان است. نبود قانون خاص در تبیین امر مهم «کسری بودجه» و فرایند تحقق آن اعم از روند نظارتی و دادرسی این مسئله را با چالش بسیاری روبه‌رو نموده و در ایفای این تکلیف قانونی، رویه قضایی نیز بیشتر بر هنجارهای حقوقی حاکم بر دادرسی دعاوی عمومی توسط دادستان متمرکز گشته است و در این حوزه صرفاً بر اقدامات قضایی دادستان اکتفا شده است. در نتیجه یکی از راهکارهای توسعه بودجه در جهت احیای حقوق اقتصادی شهروندان، توجه بیشتر دیوان عدالت اداری به مباحث حقوق عمومی از یک سو و ارتباط منسجم نهادهای ذیربط از سوی دیگر می‌باشد.

۷. سهم نویسندگان

در انجام تحقیق حاضر، تمامی نویسندگان به‌طور یکسان مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

اقتصادی همه شهروندان فراهم کند. این رویکرد می‌تواند شامل بهینه‌سازی بودجه، مبارزه با فساد اقتصادی و تشویق سرمایه‌گذاری‌های پایدار و تولیدی باشد. اصل عدالت همچنین ایجاب می‌کند که دولت‌ها هنگام جبران کسری بودجه، به نیازهای متنوع اقشار مختلف جامعه توجه کنند و در تصمیم‌گیری‌ها عدالت در توزیع منابع را مدنظر قرار دهند. این به معنای تخصیص منابع به حوزه‌هایی است که بیشترین تأثیر را بر معیشت مردم دارند، از جمله بهداشت و آموزش، تا به این ترتیب فقر و نابرابری کاهش یابد و شرایطی فراهم شود که همه افراد جامعه بتوانند از حقوق اقتصادی و اجتماعی خود بهره‌مند شوند. علاوه بر این، شفافیت و پاسخگویی در مدیریت اقتصادی دولت از اصول کلیدی تحقق عدالت محسوب می‌شود. شهروندان باید قادر باشند نحوه هزینه‌کرد بودجه را نظارت و مورد بررسی قرار دهند تا اطمینان حاصل کنند که منابع عمومی به‌طور عادلانه و به نفع جامعه هزینه می‌شود. این شفافیت نه تنها به تقویت اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد فرهنگی از مسئولیت‌پذیری در حکومت و جامعه نیز می‌انجامد. در نهایت، جبران کسری بودجه به‌منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان در راستای اصل عدالت، نه تنها یک اقدام اقتصادی ضروری است، بلکه یک وظیفه اخلاقی و اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود که به تحقق جامعه‌ای عادلانه و پایدار منتهی می‌شود. به این ترتیب، دولت با تأمین منابع کافی و مدیریت عادلانه آن‌ها می‌تواند به بهبود زندگی شهروندان و ارتقای سطح عدالت اجتماعی کمک کرده و در نهایت توسعه پایدار و متوازن را برای جامعه فراهم آورد.

- منابع کتاب**
- طباطبائی (علامه)، سید محمدحسین، بررسی های اسلامی، قم، هجرت، بی تا.
 - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
 - کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، بی جا: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
 - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
 - گرجی، ابوالقاسم، حقوق اسلامی، جزوه پلی کیپی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
 - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
 - محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت - لبنان: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸.
 - محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم انسانی، ۱۳۸۱.
 - محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، تهران: نشر یلدا، ۱۳۷۴.
 - مراغی، میرفتاح، العناوین، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷.
 - مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی: اصول فقه و فقه، تهران، صدرا، ۱۳۷۵.
 - ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴.
 - اردبیلی، احمد، الکافی فی الفقه، کتابخانه عمومی امام امیر المومنین (ع)، اصفهان، چاپ ۱، ۱۴۰۳.
 - حرّ عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمه فی أصول الأئمة - تکملة الوسائل، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸.
 - زاهدی، محمدرضا، تحلیلی بر نقش قوه قضائیه در اقتصاد کشور، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۹.
 - سبزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مومن، کفایه الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۳.
 - شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)، بی - جا، نشر الهادی، ۱۳۸۷.
 - شمس الدین، محمد مهدی، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، قم، دارالثقافه و النشر، ۱۴۱۲ق.
 - صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶.

- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیة هامّة، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۲.
- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، قاعده اقدام، مجله دیدگاههای حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره دوم، ۱۳۷۵.
- موسوی خمینی، سید روح الله، البیع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.

مقاله

- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، قاعده اقدام، مجله دیدگاههای حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره دوم، ۱۳۷۵.

